

چه باید کرد؟

طریق بانک این کار را نیز انجام دهد.

❖ **یعنی وظایف صندوق باننشستگی کشوری صرفاً به ارائه سرویس‌های جانبی محدود می‌شود؟**
خیر. صندوق علاوه بر آن کارهایی نظیر صدور احکام باننشستگی و ازکارافتادگی را نیز انجام می‌دهد؛ چرا که خزانه‌داری دولت این کار را نمی‌تواند انجام دهد.

❖ **این حرکت صرفاً جابه‌جا کردن بدهی‌هاست و تغییری در اصل بدهی‌ها ایجاد نمی‌کند.**

با این اقدام مسئولیت‌های صندوق باننشستگی کاهش پیدا می‌کند. شما اطلاع ندارید که هر ماه مدیرعامل صندوق از تاریخ بیستم دچار استرس می‌شود که چگونه پول حقوق باننشستگان را فراهم کند؛ درحالی‌که در نهایت این دولت است که باید این پول را بدهد. خب از ابتدا دولت این مسئولیت را به عهده بگیرد.

❖ **بحث اصلی ما این است که یک صندوق کارآمد ایجاد کنیم نه اینکه صرفاً بدهی‌ها را جابه‌جا کنیم.**

صندوقی دیگر وجود ندارد. صندوق زمانی معنا پیدا می‌کند که برای آینده سرمایه‌گذاری کند. امروز این مسئله وجود ندارد. اگر از ابتدا پول صندوق داده می‌شد و سرمایه‌گذاری‌ها به‌درستی صورت می‌گرفت، امروز از محل سود سرمایه‌گذاری‌های خود، حقوق پرداخت می‌کرد و کار به صورت صندوقی انجام می‌گرفت. اما این کار نشده است؛ بلکه تبدیل به طلبی شده که حتی اگر پرداخت شود آن‌قدر این ماجرا پیچیده شده که صندوق‌ها قادر نیستند خود را به صورت بهینه اداره کنند. این نقش واسطه‌گری که امروز صندوق در پرداخت حقوق‌ها به خود گرفته است نیز یک نقش زائد است؛ البته می‌توان اسم صندوق را از آن برداشت و نام سازمان باننشستگی را روی آن گذاشت تا همه خدمات اداری مربوط به باننشستگان را کمافی‌السابق انجام دهد. اما دیگر این استرس عجیبی که هر ماهه برای پرداخت حقوق باننشستگان سازمان را فرا می‌گیرد وجود نخواهد داشت. در حالی که صندوق می‌تواند کار سازمانی خود را انجام دهد و فهرست باننشستگان را در اختیار دولت قرار دهد و دولت طبق آن فهرست، حقوق را پرداخت کند. برطرف‌شدن این گرفتاری صندوق سبب می‌شود این نهاد بتواند دارایی‌های خود را که به‌هیچ‌وجه کفاف کسری بودجه آن را نمی‌کند به‌خوبی مدیریت کند و در کنار آن به باننشستگان سرویس ارائه دهد. مدیران صندوق دائم باید مقامات دولتی را توجیه کنند که با کسری مواجه هستند و مقامات دولتی نیز اظهار می‌کنند این کسری را از طریق سرمایه‌گذاری‌های خود جبران کنید، در حالی که سرمایه‌گذاری‌ها به‌هیچ‌وجه پاسخ‌گوی این کسری نیست. فرض کنید شرکتی مانند پتروشیمی جم سود نجومی نیز داشته باشد؛ اما نمی‌شود که تمام این سود را از این پتروشیمی خارج کرد و بین باننشستگان تقسیم کرد. بخشی از سود این مجتمع باید برای توسعه سرمایه‌گذاری‌های جدید پتروشیمی استفاده شود.

❖ **آیا برای صندوق تأمین اجتماعی نیز این موضوع صادق است؟**
خیر. این مسئله مختص صندوق باننشستگی کشوری است. در تأمین اجتماعی موضوع متفاوت است. کل سود شستا در حد هفت‌هزار میلیارد تومان است؛ در حالی که بودجه پرداخت حقوق و درمان امسال تأمین اجتماعی چیزی حدود ۷۰ هزار میلیارد تومان است. اما اتفاقاً تأمین اجتماعی باید سرمایه‌گذاری‌های خود را برای آینده توسعه بدهد لکن تصدی‌گری خود را کاهش بدهد.

شوند و دولت بر سرمایه‌گذاری آنها نظارت کند تا در جای مناسب انجام شود. بهترین بخش برای سرمایه‌گذاری این صندوق‌ها نیز همان‌طور که عرض کردم در اوراق بهادار و سهام بورس است تا در حد امکان از گزند حوادث مصون بمانند؛ وگرنه اگر این صندوق‌ها نیز به سمت تصدی‌گری حرکت کنند، دچار همین گرفتاری‌ها می‌شوند. اما اگر بخواهیم به گذشته نگاه کنیم، دولت چاره‌ای جز تأمین حقوق باننشستگان ندارد. بالاخره امروز صندوق باننشستگی کشور، کارکنان خود دولت‌اند. متأسفانه پول این صندوق‌ها به‌موقع پرداخت نشده و سرمایه‌گذاری مناسب صورت نگرفته و طلب‌های دولت باقی مانده است. اتفاقات دیگری نیز نظیر باننشستگی‌های زودرس افتاده که وضعیت را وخیم‌تر نیز کرده است.

❖ **برای صندوق‌های باننشستگی فعلی چه تدبیری باید اندیشیده شود. این صندوق‌ها که امکان خصوصی‌شدن ندارند.**

از نقطه‌ای به بعد باید تصمیم گرفته شود که کارکنان دولت قادر باشند که از صندوق‌های خصوصی استفاده کنند. البته وزارت کار و رفاه اجتماعی باید مقررات لازم را در کنترل و نظارت بر این صندوق‌ها به کار گیرد.

❖ **آیا چنین اقدامی وضعیت صندوق‌های باننشستگی فعلی را حادتر نمی‌کند؟ چرا که صندوق‌های باننشستگی به‌خودی‌خود با مشکل کمبود منابع ورودی مواجه هستند و ایجاد صندوق‌های خصوصی وضعیت منابع دریافتی آنها را بدتر نیز می‌کند.**

ببینید ما یک موجود بیماری داریم که از جایی به بعد، بیماری آن باید متوقف شود و اصلاح ساختار در آن صورت گیرد. آن موجود بیمار باید به حیات خود ادامه دهد تا کار آن به انتها برسد. بالاخره صندوق باننشستگی کشوری در وضعیت فعلی دچار این گرفتاری است و هیچ راهی جز این وجود ندارد. من این پیشنهاد را در اواخر دولت قبل ارائه کردم که صندوق، پرداخت حقوق باننشستگی را به خزانه‌داری دولت محول کند. درحال حاضر در بودجه کشور ۱۵ هزار میلیارد تومان برای صندوق باننشستگی کشوری در نظر گرفته شده است. اگر صندوق این توان را داشت که منابع خود را سرمایه‌گذاری کند، بسیار عالی می‌شد؛ اما امروزه همه منابعی که وارد صندوق می‌شود، صرف پرداخت حقوق باننشستگان شده و از این دست گرفته می‌شود و به آن دست داده می‌شود. صندوق می‌تواند یک فلای از فهرست باننشستگان تهیه کند و به خزانه‌داری بدهد و بگوید مستقیم به حساب آنها واریز شود و نیاز به این نباشد که هر ماه مدیران صندوق به سازمان برنامه‌ریزی و مدیریت کشور و خزانه التماس کنند تا حقوق باننشستگان را پرداخت کنند.

❖ **عملاً نه صندوق باننشستگی بلکه این دولت است که درحال حاضر پرداخت حقوق باننشستگان را به عهده گرفته است.**

بله. زمانی صندوق باننشستگی به عنوان واسطه باید حضور داشته باشد که بخشی از منابع آن صرف سرمایه‌گذاری شود؛ اما درحال حاضر این اتفاق نمی‌افتد؛ چون منابعی برای این کار باقی نمی‌ماند. دولت در صورتی که می‌خواهد این صندوق باننشستگی را نیز حفظ کند، باید مجموعه کوچکی را در آن تدارک ببیند و تصدی‌گری‌های آن را کاهش دهد و از محل سرمایه‌گذاری آن، سرویسی از خدمات جانبی نظیر پرداخت وام، تسهیلات سفر و از این دست ارائه کند و مسئولیت پرداخت حقوق را از آن بگیرد. پرداخت حقوق باننشستگان نیاز به چنین دستگاه عریض و طویلی در صندوق‌ها ندارد. دولت می‌تواند از

دست کشیدن
از تصدی‌گری
آسان نیست و
نیاز به یک اراده
محکم دارد.
دستگاه‌های
اجرایی همواره
تمایل دارند که
به سمت و سوی
تصدی‌گری
بروند. متأسفانه
در کل مدیریت
اجرایی کشور
اراده واکزاری
بسیاری از امور و
سرویس گرفتن
از منابع بیرونی
وجود ندارد.